

نقد و بررسی سندی معارضات حدیث «یا علی لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق» در منابع عامه

امید شیرینی (بنیاد بین المللی امامت)

heydarshirin59@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

حدیث «لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق»، از ارکان استدلال‌های اعتقادی در اثبات جایگاه منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. با این حال، در منابع حدیثی اهل سنت، روایات معارضی به چشم می‌خورد که معیار محبت و بغض را به اشخاص یا گروه‌های دیگری مانند برخی خلفا یا انصار نسبت داده‌اند؛ نقل‌هایی که ممکن است بر ساخته فضای تقابلی‌های کلامی بوده و با هدف سایه انداختن بر دلالت این حدیث نبوی پرداخته شده باشند. این پژوهش با هدف صیانت از این روایت کلیدی، در صدد است تا اعتبار سندی این روایات معارض و تبیین میزان توان آن‌ها در تقابل با حدیث اختصاصی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بکاود. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که تمامی نقل‌های معارض که برای دیگران ذکر شده است، به دلیل ضعف‌های سندی، فاقد اعتبار لازم هستند و در ترازوی نقد رجالی تاب مقاومت ندارند. به علاوه با نقد و ابطال روایات معارض، مشخص می‌شود که مضمون محبت و بغض به عنوان معیار ایمان و نفاق، حقیقتی است که منحصرأ در حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) صادر شده و دیگر روایات، تلاشی برای تضعیف و حاشیه‌رانی این جایگاه هستند. این تحلیل نشان می‌دهد که جایگاه اعتقادی این روایت نبوی، با هیچ‌یک از روایات معارض موجود در منابع عامه خدشه‌دار نمی‌شود. **کلیدواژه‌ها:** امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ایمان و نفاق، روایات معارض، ابوبکر، عمر، انصار.

مقدمه

«حدیث» در لغت به معنای سخن و گفتار است و در اصطلاح، آن چیزی است که به قول، فعل و تقریر پیامبر ﷺ منسوب است (ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ۶/۱۸). عامه برای اطمینان از صحت و اعتبار احادیث به بررسی دقیق سلسله راویان می‌پردازند تا ثابت شود که حدیث به درستی و بدون تحریف از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده باشد و تواتر آن ثابت گردد.

«حدیث متواتر» نیز حدیثی است که افراد متعددی آن خبر را نقل کنند و توافق این افراد بر کذب عادتاً محال باشد و این دو شرط در تمام طبقات احراز شود (شاشی، ۱۴۰۲: ۲۷۲). یکی از احادیث متواتر، حدیث شریف «لَا يَحْبُكُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغُضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ» است که بیش از ۹۷ نفر از بزرگان عامه در قرون مختلف از شهرهای گوناگون به گونه‌ای که توافق آنها بر کذب عادتاً محال است، این حدیث را از قول پیامبر ﷺ در شأن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نقل کرده‌اند که به قرار زیر است:

صحابه	امام علی (ع)، امام حسن (ع)، ام سلمه، ابوذر، عبدالله بن مسعود، عمران بن الحصین، عبدالله بن عباس، بریده بن حصیب، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله، انس بن مالک، عامر بن واصل، یعلی بن مزه، عبدالله بن حنطب.
تابعیان	زر بن حبیش، عدی بن ثابت، علی بن ربیعہ، ام‌مساور، ابوداود السیسی، ابواسحاق السیسی، حارث همدانی، سالم بن ابی‌الجعد، مطلب بن عبدالله، عبدالله بن زبیر، عطیه عوفی، عبدالله بن نجی، مبارک بن فضاله، عبيدالله بن عبدالله، عبدالله بن یعلی، اسلم العدوی، اسلم المکی، سهل بن سعد، یحیی بن الجزار، عبدالله بن محمد، عماره بن جوین.
قرن سوم	حمیدی، ابن ابی‌شیبہ، ابن حنبل، عدنی، مسلم نیسابوری، ابن ماجه، ترمذی، بلاذری، ابن ابی‌عاصم، بزار.
قرن چهارم	نسائی، ابن ابی‌یعلی، اسفراینی، بغوی، ابن ابی‌حاتم، محاملی، ابن اعرابی، خلدی، ابن حبان، طبرانی، آجری، ابن مقرئ، زهری، ابن شاهین، دارقطنی، ابن بطله، ابن منده.
قرن پنجم	توحیدی، ابن جمیع، حاکم نیسابوری، لاکانی، ابی، ابن مهران، بیهقی، قرطبی، خطیب بعدادی، فارسی الأصل، ابن ماکولا، ابن مغازلی، حمیدی، سمعانی.
قرن ششم	ابن قیسرانی، دیلمی، بغوی، ابن ابی‌یعلی، قوام السنه، ابن عربی معارفی، یحصبی، ذهلی، ابن عساکر، ابن خراط، اشبیلی.
قرن هفتم	رافعی، ابن اثیر، ابن مستوفی، سبط ابن جوزی، منذری، قرطبی، نووی، ابن صابونی، طبری.
قرن هشتم	ابن دقیق، ابن منظور، صرصری، ابن فوطی، مظهری، ابن تیمیه، نوبری، دواداری، خازن، خطیب تبریزی، مزی، ذهبی، ابن قیم جوزیه، ابن کلیج، صدی، ابن کثیر، عاقولی.
قرن نهم	مناوی، عراقی، هیثمی، فاسی، ابن جزری، ابن وزیر، ابن حجر عسقلانی، ابن ملک، فیومی، ابن مفلح.
قرن دهم	حمیری، سخاوی، سیوطی، صالحی، بامخرمه، ابن عراق، ابن حجر هیتمی، متقی هندی.

بنابراین حدیث شریف «لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق» را تعداد زیادی از صحابه، تابعیان و بزرگان عامه تا قرن دهم نقل کرده‌اند و ما در این بخش به همین مقدار بسنده می‌کنیم؛ زیرا از قرن دهم به بعد زمان انتشار کتاب بوده و کتاب‌ها در دسترس بوده‌اند. بنابراین تواتر حدیث مورد بحث در نزد عامه ثابت است و از اعتبار بالایی برخوردار است و باید تمام عامه ملزم به پذیرش مدلول حدیث در شأن امیرالمؤمنین باشند که بر امامت ایشان دلالت می‌کند؛ زیرا محبت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این حدیث، ملاک ایمان و نفاق افراد قرار گرفته است و این مختص به آن حضرت است و اختصاص موجب افضلیت می‌شود. شاهد ما سخن ابن تیمیه است که در باب هجرت ابوبکر می‌گوید: «بدون شک فضیلتی که برای ابوبکر در هجرت حاصل شد، برای هیچ‌یک از صحابه دیگر از کتاب، سنت و اجماع حاصل نشد و این دال بر افضلیت است و لذا او امام است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۲۰/۷).

همچنین فضیلتی که از این حدیث برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده شده برای هیچ‌یک از صحابه دیگر از کتاب، سنت و اجماع استفاده نشده است. ابن شاهین نیز از بزرگان عامه تصریح می‌کند: «حضرت علی بن ابی طالب در این فضیلت یگانه است و شریکی ندارد» (ابن شاهین، ۱۴۱۵: ۱۷۶). بنابراین حدیث شریف بر افضلیت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دلالت می‌کند و اطلاق آن همراه با تخصیص آن به ایشان چیزی جز نشانه امامت نیست.

اما دستگاه خلافت و پیروان آنها به‌ویژه حکومت بنی امیه در تخریب شخصیت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بسیار تلاش کردند تا جایی که معاویه گروهی از صحابه و تابعیان را به جعل روایات و اخبار ناپسند درباره حضرت علی علیه السلام واداشت که موجب طعن و بیزارى از آن حضرت می‌شد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۶۳/۴). ابن ابی الحدید از قول امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

دروغ‌گویان برای دروغ‌های خود در نزد قضات و عمال حاکمان نزدیک شدند، آنها احادیث جعلی و دروغین را به ما نسبت دادند و چیزهایی را که نگفته بودیم و انجام نداده بودیم، روایت کردند تا ما را به مردم بدبین کنند و این امر در زمان معاویه به اوج خود رسید (همان: ۴۳/۱۱).

همچنین معاویه دستور داد که فضائل انحصاری حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را برای

ابوبکر، عمر و صحابه نقل کنند و برای او بیاورند (همان: ۴۵/۱۱). از این رو عده‌ای از سر چاپلوسی و به طمع دریافت پاداش، از یک طرف به جعل حدیث در فضل صحابه پرداختند و از طرف دیگر، مطاعن و مشاجرات میان صحابه را حذف و کتمان کردند تا احترام آنها حفظ شود. ذهبی در این باره می‌گوید:

همان‌طور که تصمیم گرفته شد، باید از بسیاری از اختلافات و جنگ‌هایی که بین صحابه رخ داده است، خودداری کنیم تا دل‌هایمان صاف شود و بتوانیم محبت و احترام به صحابه را حفظ کنیم و لذا پنهان کردن این موضوع از عموم مردم و برخی از علما ضروری است؛ ولی ممکن است به یک عالم منصف اجازه داده شود که آنها را در خلوت خود مطالعه کند، به شرط اینکه برای صحابه استغفار کند؛ زیرا آنها سوابق و اعمالی دارند که این استغفار، کفاره گناهان آنهاست (ذهبی، ۱۴۰۵: ۹۲/۱۰).

باید گفت: اگر صحابه اشتباهاتی داشته‌اند و در بینشان اختلاف و جنگ‌هایی رخ داده است، چگونه حب و بغض آنها می‌تواند ملاک ایمان و نفاق افراد قرار بگیرد؟ اگر حب و بغض صحابه، معیار ایمان است، چگونه می‌توان این معیار را با اختلافات و جنگ‌های بین آنها تطبیق داد؟ در این باره بخاری از عایشه نقل کرده است:

سعد بن عبادہ رئیس قبیله خزرج، سعد بن معاذ رئیس قبیله اوس را به دروغ‌گویی متهم کرد، در این هنگام اسید بن حضیر، پسرعموی سعد بن معاذ به دفاع از او پرداخت و گفت: به خدا قسم، تو دروغ می‌گویی، همانا ما تو را خواهیم کشت. این اتهامات باعث شده که دو گروه بزرگ انصار به شدت با یکدیگر درگیر شوند و به جنگ و نزاع پردازند (بخاری، ۱۳۱۱: ۱۰۴/۶).

حال چگونه می‌توان حب و بغض انصار و صحابه پیامبر را ملاک ایمان و نفاق افراد قرار داد، درحالی که خود آنها درگیر اختلافات و جنگ‌های داخلی بودند؟ این ملاک را چگونه باید در این واقعیت تاریخی تطبیق داد؟ آیا این اختلافات داخلی، نشان‌دهنده نقص در ایمان و شخصیت آنها نیست؟ با این وجود، چگونه می‌توان از مردم توقع داشت که صحابه پیامبر را ملاک ایمان خود قرار دهند؟

اگر انصار ملاک ایمانند، چرا ابوبکر و عمر در سقیفه با آنها مخالفت کردند و گفتند: عرب‌ها

تسلیم حکومت شما نخواهند شد؟ (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۸۲/۱). یا اگر ابوبکر و عمر ملاک ایمانند، چرا انصار با آنها مخالفت کردند و حباب بن منذر گفت: ای گروه انصار! خودتان خلافت را محکم نگه دارید، آنها می‌خواهند سهم شما را از این امر بگیرند، اگر از شما چیزی را که خواستید نپذیرفتند، آنها را از مدینه بیرون کنید؟ (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۰/۳). بنابراین از جهت دلالت این اختلافات و درگیری‌ها حاکی از آن است که صحابه پیامبر یا هرکس دیگر جز حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام نمی‌توانند ملاک ایمان و نفاق افراد قرار بگیرند.

هدف از این تحقیق، بررسی صحت و سقم این روایات جعلی از منابع عامه است که با بررسی اسناد و رجال آنها فهمیده می‌شود که تمامی آنها از نظر سندی، ضعیف و فاقد اعتبار هستند. تحقیق پیش‌رو از این جهت اهمیت دارد که بسیاری از این روایات نقش بسزایی در باورهای عقیدتی مسلمانان گذاشته است که با بررسی دقیق اسناد و آشکارسازی ضعف آنها می‌توان به فرایند شکل‌گیری عقاید اسلامی کمک کرد تا اشتباهات عقیدتی را در آینده به حداقل برساند. امتیاز این تحقیق رویکرد تحلیلی - انتقادی است که با توجه به منابع عامه به صورت جامع به تمامی معارضات حدیث «یا علی لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق» پاسخ می‌دهد. لازم به ذکر است که این تحقیق در هر طریق که بیانگر ایمان و نفاق افراد است، تنها به یک نقل که از سایر منابع متقدم‌تر است، بسنده می‌کند و آن را در قالب چهار عنوان اصلی ارائه می‌دهد.

۱. نقد و بررسی روایات دوستی و دشمنی با ابوبکر و عمر

۱ - ۱. روایت لَا یُبَغِضُ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرُ مُؤْمِنٌ وَ لَا یُحِبُّهُمَا مُنَافِقٌ

۱ - ۱ - ۱. روایت به نقل از انس بن مالک

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ شَرِيكِ الْكُوفِيِّ قَتْنَا أَحْمَدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ نَا مُعَلَّى بْنُ هَلَالٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي سَفْيَانَ عَنْ رَجُلٍ سَقَطَ مِنْ كِتَابِ ابْنِ مَالِكٍ اِسْمُهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: ... (ابن حنبل، ۱۴۰۳: ۳۹۳).

ابراهیم بن محمد بن شریک: پس از جست‌وجو، جرح و تعدیلی برای راوی مذکور یافت نشد و لذا او مجهول است.

معلی بن هلال (سوید حضرمی، ابو عبدالله الطحان): ثقه نیست و حدیث او نباید نوشته شود (ابن مدینی، ۱۴۰۴: ۱۶۹)؛ ضعیف است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۳۹۴)؛ کذاب و دروغگو است (عجلی، ۱۴۰۵: ۲۸۹/۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۵۴۱)؛ متروک است (نسائی، ۱۳۹۶: ۹۶).

۲ - ۱ - ۱. روایت به نقل از جابر

حَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَيْمُونٍ قَالَا: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّاقِدُ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَالِكِ بْنِ مَغُولٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي سُفْيَانَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: ... (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۴۷۰/۵).

عبد الرحمن بن مالک بن مغول: ثقه نیست (ابن معین، ۱۳۹۹: ۴۹۵/۳)؛ ضعیف است (دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۶۱/۲؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۲۲۴)؛ کذاب و دروغگو است و شکی در آن وجود ندارد (ابن شاهین، ۱۴۰۴: ۱۲۸).

۲ - ۱. روایت لا يَبْعُضُ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرُ إِلَّا مُنَافِقٌ

روایت به نقل از ابوسعید الخدری

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ إِمْلَاءً قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُقَدَّمُ بْنُ دَاوُدَ حَدَّثَنَا أَسَدُ بْنُ مُوسَى قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ الدَّاهِرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَجَّاجُ بْنُ أَرْطَاةَ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ: ... (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۲۲: ۱۱۵).

مقدم بن داود (رعینی): ضعیف است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۳۹۴؛ همو، ۱۴۰۵: ۳۴۵/۱۳). ابوبکر داهری (عبدالله بن حکیم): ثقه نیست (نسائی، ۱۳۹۶: ۱۱۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۱۴/۱۱)؛ ضعیف است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۴۱/۵؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۶۰/۲)؛ حدیث جعل می کرد (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۵۱۵/۱). حجّاج بن ارطاه: ضعیف است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۹؛ ابن شاهین، ۱۴۰۴: ۷۸؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۷۲)؛ بسیار خطا و اشتباه دارد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۱۵۲).

۳ - ۱. روایت حُبُّ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرُ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُمَا نِفَاقٌ

۱ - ۳ - ۱. روایت به نقل از انس بن مالک

حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مِقَاتِلٍ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ بْنِ هَارُونَ الْمُقَرِّي حَدَّثَنَا

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجَمَّانِيُّ أَخُو عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ الْحَمَيْسِيُّ عَنْ مَالِكِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ... (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۵۲۹/۳).

صالح بن احمد بن ابی مقاتل (صالح بن احمد بن یونس): ضعیف است (ذهبی، بی تا: ۳۰۲/۱)؛ او احادیث را می‌دزدید و احادیث را به افرادی که ندیده بود، نسبت می‌داد و احادیث موقوف را به مرسل تبدیل می‌کرد و به اسناد حدیث می‌افزود (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۱۱۲/۵)؛ احادیث او پر از منکرات است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۴۷/۱۰)؛ نمی‌توان به او احتجاج کرد (ابن حبان: ۴۷۲/۱).

محمد بن عبید بن هارون: پس از جست‌وجو، جرح و تعدیلی برای راوی مذکور یافت نشد و لذا او مجهول است.

ابواسحاق الحمیسی (خازم بن الحسین): ضعیف است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۱۰۹)؛ احادیث او منکر است (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۳۵۱/۱)؛ ارزش و اعتباری ندارد (ابن معین، ۱۳۹۹: ۵۷/۴)؛ به احادیث او احتجاج نمی‌شود (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۳۹۳/۳).

۲ - ۳ - ۱. روایت دیگر به نقل از انس بن مالک

أَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الطَّرَازِيُّ، أَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حَسَنَوَيْهِ الْمُقَرِّي، نَا أَبُو الْأَزْهَرِ أَحْمَدُ بْنُ الْأَزْهَرِ، نَا يَحْيَى بْنُ الْفَيَاضِ، نَا الْهَيْثَمُ بْنُ جَمَّازٍ عَنْ يَزِيدَ الرَّقَاشِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ... (خطیب بغدادی، ۱۹۸۵: ۷۳۰/۲)

احمد بن علی بن حسنویه المقرئ: ثقة نیست (ابن جوزی، ۱۴۰۶: ۸۰/۱)؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۲۱/۱)؛ از کسانی روایت کرده که آنها را درک نکرده است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۲۱/۱).
یحیی بن الفیاض: ضعیف است (ذهبی، بی تا: ۷۴۲/۲)؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۵۴۵).
هیثم بن جماز: ضعیف است (ابن مدینی، ۱۴۰۴: ۱۵۱)؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۸۱/۹)؛ ابن شاهین، ۱۴۰۴: ۱۹۱)؛ نسائی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

یزید الرقاشی (یزید بن ابان): ضعیف است (ابن مدینی، ۱۴۰۴: ۴۸)؛ ترمذی، ۱۳۹۵: ۳۸۰/۵)؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۲۵۲/۹)؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۳۷/۳)؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶:

(۵۵۹): متروک است (نسائی، ۱۳۹۶: ۱۱۰؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۴۴۰)؛ نقل روایت از او جایز نیست (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۴۴۸/۲).

۴ - ۱. روایت بُعْضُ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرُ نِفَاقُ

۱ - ۴ - ۱. روایت به نقل از طلحه بن مصرف

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو حُمَيْدٍ قَتْنَا مُعَاوِيَةَ يَغْنِي: ابْنُ حُنْصٍ قَالَ: نَا عَبَادٌ يَغْنِي: ابْنُ الْعَوَامِ عَنِ الْحَجَّاجِ عَنْ طَلْحَةَ الْيَامِي قَالَ: كَانَ يُقَالُ: ... (ابن حنبل، ۱۴۰۳: ۲۹۴/۱).

حجاج: با بررسی اسانید عباد بن العوام و شاگردان طلحه یامی (طلحه بن مصرف) به دست آمد که منظور از حجاج، همان حجاج بن اراطاه است که در روایت دوم، به نقل از ابونعیم اصفهانی تضعیف شد.

طلحه یامی (طلحه بن مصرف): این حدیث او بنابر نظر عامه مرسل است؛ زیرا راوی بعد از او تا پیامبر اکرم ﷺ ذکر نشده است و بزرگان عامه چنین حدیثی را ضعیف می دانند (سیوطی، بی تا: ۲۲۲/۱).

۲ - ۴ - ۱. روایت به نقل از محارب بن دثار

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ حَزْبٍ قَالَ: ثَنَا الْقَاسِمُ عَنْ سُفْيَانَ قَالَ: قَالَ مُحَارِبُ بْنُ دَثَارٍ ... (ابن خلال، ۱۴۱۰: ۲۹۰/۱).

محارب بن دثار: به احادیث او احتجاج نمی شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶: ۵۰/۱۰)؛ علاوه بر عدم احتاج به احادیث او، این حدیث نیز بنابر نظر عامه مرسل است؛ زیرا راوی بعد از محارب تا پیامبر اکرم ﷺ ذکر نشده است و بزرگان عامه چنین حدیثی را ضعیف می دانند (سیوطی، بی تا: ۲۲۲/۱).

۳ - ۴ - ۱. روایت به نقل از کنیر بن اسماعیل

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ شَيْبَةَ نَا جَدِّي قَالَ: نَا أَبُو عَسَانَ خَالِدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ نَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْأَنْصَارِيُّ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ

زَيْدُ أَنَّ ابْنَ زَيْدٍ قَالَ: نَا أَبِي نَا أَبُو عَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْأَنْصَارِيِّ نَا كَثِيرُ أَبُو إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ فَقَالَ: ... (دارقطنی، ۱۴۱۹: ۶۸).

ابوغسان خالد بن اسماعیل: پس از جست و جو، جرح و تعدیلی برای راوی مذکور یافت نشد و لذا او مجهول است.

محمد بن عمر الأنصاری: ضعیف است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۷۰/۳)؛ از کسانی است که اشتباه می‌کند (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۴۳۷/۷).

ابو اسماعیل (کثیر بن اسماعیل النواء): ضعیف است (نسائی، ۱۳۹۶: ۸۹)؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۱۵۹/۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۴۰۲/۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۴۵۹).

علاوه بر ضعف راویان، چنان که گفته شد، این روایت نیز بنابر نظر عامه مرسل است و آنها چنین حدیثی را ضعیف می‌دانند (سیوطی، بی‌تا: ۲۲۲/۱).

۲. نقد و بررسی روایات دوستی و دشمنی با انصار

پیش از ورود به بحث، ذکر این نکته لازم و ضروری است که فلسفه صدور این روایات تا حدی تعدیل نگرش‌های نادرست یا افراطی برخی مهاجران نسبت به انصار بوده است؛ زیرا در تاریخ، چنان که در مقدمه گفته شد: میان مهاجر و انصار و حتی خود انصار، اختلافاتی رخ داده بود و این روایات با وجود موضوع و ضعیف بودن آنها که ذکر خواهد شد، اگر در کتب صحیح و سنن عامه راه پیدا کرده است، در جهت حفظ وحدت امت اسلامی است؛ نه امامت آنها. همچنین انصار یک گروه اجتماعی هستند، نه یک فرد خاص و محبت به یک گروه به معنای الگو قرار دادن ایشان در مقام امامت و خلافت نیست.

۱ - ۲. روایت لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ

۱ - ۲. روایت به نقل از براء بن عازب

حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ قَالَ: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الْبَرَاءَ بْنَ عَازِبٍ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْأَنْصَارِ: ... (ابوداود طیالسی، ۱۴۱۹: ۹۷/۲).

شعبه (ابن حجاج): در نام راویان اشتباه می‌کرد (عجلی، ۱۴۰۵: ۴۵۶/۱؛ مقدسی، ۱۴۳۷: ۴۰۶/۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶: ۳۴۵/۴)؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که شعبه در نام عدی بن ثابت اشتباه کرده باشد؛ زیرا عدی بن ثابت یکی از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است تا جایی که ذهبی از قول مسعودی نقل می‌کند: «ما هیچ کس را ندیدیم که مانند او آشکارا به تشیع معتقد باشد» (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۱/۳)؛ در عین حال، شخصیت ثقه و مورد اعتماد عامه است (عجلی، ۱۴۰۵: ۱۳۲/۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۲/۷؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۸۸/۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۳۸۸)؛ این روایت را در باب حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل کرده است و لذا این احتمال وجود دارد که شعبه در نام عدی بن ثابت اشتباه کرده باشد.

لازم به ذکر است که شعبه این روایت را با الفاظ دیگر نقل کرده است:

- حَدَّثَنَا شُعْبَةُ أَخْبَرَنِي عَدِيُّ بْنُ ثَابِتٍ قَالَ: سَمِعْتُ الْبَرَاءَ بْنَ عَازِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَحِبُّ الْأَنْصَارُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۵۹/۳۰).

- حَدَّثَنَا شُعْبَةُ قَالَ: أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبْرِ سَمِعَ أَنَسًا يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْأَنْصَارِ: الْأَنْصَارُ آيَةُ الْمُؤْمِنِ وَآيَةُ الْمُنَافِقِ لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ (ابو داود طیالسی، ۱۴۱۹: ۵۷۲/۳).

- حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبْرِ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسًا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ آيَةُ الْإِيمَانِ حُبُّ الْأَنْصَارِ وَآيَةُ الْتَفَاقِ بُغْضُهُمْ (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۳۲۵/۱۹).

باید دانست که در این احادیث، عبدالله بن عبدالله بن جبر، یکی از شیوخ شعبه از بنی امیه است (بخاری، بی تا: ۱۲۶/۵؛ ابن قلیج، ۲۰۱۱: ۴۴۹/۴)؛ لذا این طبیعی است که به دستور معاویه، فضائل انحصاری حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را برای ابوبکر و عمر نقل کند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۴۵/۱۱). علاوه بر این، روایات او در باب حب و بغض انصار به نقل از شعبه در کتاب موضوعات آمده است (صهیب عبدالجبار، ۲۰۱۳: ۲۶۷/۳) و به تصریح ابن صلاح، حدیث موضوع، حدیثی است که ساخته و پرداخته شده است و از بدترین احادیث ضعیف است و برای هرکس که از حال آن آگاه است، جایز نیست که آن را نقل کند، مگر با ذکر جعلی بودن آن (ابن صلاح، ۱۴۰۶: ۹۸).

همچنین باید دانست که خود شعبه نیز از کسانی است که با اهل بیت پیامبر اکرم دشمنی

داشته و به ایشان دروغ می‌بسته است. قاضی عبدالجبار معتزلی از ابوعلی جبائی نقل می‌کند که شعبه گفت: «از جعفر بن محمد رحمه الله روایت شده است که ایشان تولی ابوبکر و عمر را داشته است و به زیارت قبر آنها می‌رفت!» (استرآبادی، بی‌تا: ۳۳۶/۲۰). این دروغ آشکاری است؛ کسی که چنین دروغی بگوید، از او بعید نیست که باز دروغ ببندد و حدیث جعل کند.

۲ - ۱ - ۲. روایت به نقل از سعد بن ابی وقاص

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ حُمَيْدٍ نا عَبْدُ الْمُهِيمِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ سَهْلٍ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ... (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۳/۳۲۴).

يعقوب بن حميد (ابن كاسب): ضعيف است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۲۰۶/۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۵۸/۱۱)؛ احادیث او مورد تأیید نیست (عقیلی، ۱۴۰۴: ۴/۴۴۷)؛ ابوداود سجستانی نیز می‌گوید: در مسند او احادیثی دیدیم که انکار کردیم، سپس از او اصول را خواستیم و او ابتدا مقاومت کرد و سپس آنها را بیرون آورد و دیدیم که احادیث مرسل در اصول با خط تازه تغییر یافته‌اند (ابوداود سجستانی، ۱۴۰۳: ۲۸).

عبدالمهيم بن عباس بن سهل بن سعد: ضعيف است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۳۳۶)؛ منکر الحدیث است (بخاری، ۱۴۲۶: ۹۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۶۸/۶؛ ابن حبان، ۱۴۲۰: ۲/۱۴۹)؛ متروک الحدیث است (نسائی، ۱۳۹۶: ۷۰).

۲ - ۱ - ۳. روایت دیگر به نقل از سعد بن ابی وقاص

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ بْنِ وَارَةَ وَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ قَالَا: ثنا أَبُو حَفْصٍ عَمْرُو بْنُ أَبِي سَلَمَةَ ثنا صَدَقَةُ وَ هُوَ ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِيَّاضٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ فِي الْأَنْصَارِ ... (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۳/۳۲۹).

عمرو بن ابی سلمه: ضعيف است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۳/۲۶۲؛ همو، ۱۴۰۵: ۱۰/۲۱۴)؛ در احادیث او وهم وجود دارد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۴۲۲)؛ به احادیث او احتجاج نمی‌شود (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۶/۲۳۵).

صدقه بن عبدالله (ابومعابیه السمین الدمشقی): بسیار ضعیف است و احادیث مرفوع او منکر

هستند (بخاری، ۱۴۲۶: ۷۶): ضعیف است (نسائی، ۱۳۹۶: ۵۸؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۰۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۲۷۵): احادیث موضوع را روایت می‌کند (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۳۷۴/۱).

۲ - ۲. روایت لَا يُجِبُّ الْأَنْصَارَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ

۲ - ۲ - ۱. روایت به نقل از عبدالرحمن بن صخر

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ حَيَّانَ ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى ثَنَا رَجَاءُ بْنُ صُهَيْبٍ عَنْ أُسَيْدِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي إِسْرَائِيلَ الْمَلَائِيِّ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ... (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰: ۱/۳۷۰).

اسید بن زید (بن نجیح): ضعیف است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۱۱۲): در روایات او ضعف دیده می‌شود و از آنچه روایت می‌کند، پیروی نمی‌شود (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۸۷/۲): کذاب است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۳۱۸/۲).

ابی اسرائیل ملائی (اسماعیل بن خلیفه ابواسرائیل بن ابی اسحاق ملائی): ضعیف است (عقیلی، ۱۴۰۴: ۷۶/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶: ۱۰۹/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱/۲۴۵): به احادیث او احتجاج نمی‌شود (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۱۶۶/۲).

ابی هریره (عبدالرحمن بن صخر): در بسیاری از موارد عایشه با حدیث گفتن او مخالفت کرده و او را به دروغ‌گویی متهم کرده است که به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم: از عروه بن زبیر نقل شده است که عایشه گفت: آیا از ابوهریره تعجب نمی‌کنید؟ ... اگر او را می‌دیدم به او می‌گفتم که رسول خدا ﷺ حدیث را به این صورت که شما نقل می‌کنید، نقل نمی‌کرد (مسلم، ۱۳۷۴: ۱۹۴۰/۴). از ابوحنسان اعرج نیز نقل شده است که گفت: دو مرد نزد عایشه آمدند و گفتند: ابوهریره از رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند، عایشه با نگرانی گفت: به خداوندی که قرآن را بر پیامبر ﷺ نازل کرد، او دروغ می‌گوید (ابن قتیبه، ۱۴۱۹: ۱۷۰).

۳ - ۲. روایت لَا يَنْعَصُ الْأَنْصَارَ إِلَّا مُنَافِقٌ

۱ - ۳ - ۲. روایت به نقل از ابوسعید الخدری

سَعِيدُ بْنُ عُمَيْرٍ الْحَارِثِيُّ سَمِعَ ابْنَ عُمَرَ وَأَبَا سَعِيدٍ قَالَ إِسْمَاعِيلُ حَدَّثَنِي أَخِي عَنْ

سَلِيمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثَيْدٍ اللَّهُ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرِو عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: قَالَ النَّبِيُّ ...
(بخاری، ۱۴۴۰: ۵۰۱/۳).

اسماعیل (بن عبدالله بن عبدالله بن ابویس مشهور به اسماعیل بن ابی اویس): ضعیف‌ترین مردم است (ابن معین، ۱۳۹۹: ۶۵/۱)؛ ضعیف است (نسائی، ۱۳۹۶: ۱۷)؛ کذاب و دروغگو است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۲۳/۱).

سعید بن عمیر (ابن عقبه انصاری): هیچ جرح و تعدیلی نسبت به او صورت نگرفته و نزد بزرگان عامه ناشناخته است (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۴۷۰/۴).

۳. نقد و بررسی روایات دوستی و دشمنی با عرب

۱ - ۳. روایت حُبِّ الْعَرَبِ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُمْ نِفَاقٌ

۱ - ۳. روایت به نقل از انس بن مالک

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَمَازٍ الْعَدْلِيُّ أَنَّ أَبَا مُسْلِمٍ إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ مَعْقِلَ بْنَ مَالِكٍ حَدَّثَهُمْ قَالَ: ثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ حَمَّادٍ، عَنْ ثَابِتٍ، عَنْ أَنَسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ... (حاکم نيسابوری، ۱۴۱۱: ۹۷/۴).

معقل بن مالک: مجهول است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۲۸۶/۸).

هیثم بن حماد: متروک است (حاکم نيسابوری، ۱۴۱۱: ۹۷/۴)؛ شناخته شده نیست (ذهبی، ۱۳۸۲: ۳۲۱/۴).

۲ - ۳. روایت به نقل از براء بن عازب

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّلْمِيُّ أَنَّ دَاوُدَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْعَبَّاسِ بِالْكُوفَةِ ثَنَا أَبُو الْحَرِيشِ أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى ثَنَا مَوْمِلُ بْنُ أَهَابٍ ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى ثَنَا ابْنُ أَبِي لَيْلَى عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ الْبَرَاءِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ... (بيهقي، ۱۴۲۱: ۲۳۰/۲).

ابو عبد الرحمن السلمي (محمد بن الحسين): ثقة نیست (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۲/۳)؛ در تصانیف او احادیث و حکایات ساختگی وجود دارد و در تفاسیر او چیزهایی است که اصلاً قابل قبول نیست (ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۵۲/۱۷).

داود بن محمد بن العباس: پس از جست‌وجو، جرح و تعدیلی برای راوی مذکور یافت نشد و لذا او مجهول است.

۲ - ۳. روایت: بغض العرب نفاق

روایت به نقل از عبدالله بن عباس

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُبَارَكِ الصَّنَعَانِيُّ ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ حَدَّثَنِي أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ بْنُ يَزِيدَ الْقُرْظِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ... (طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱۴۵).

اسماعیل بن ابی اویس: ضعیف‌ترین مردم است (ابن معین، ۱۳۹۹: ۶۵/۱)؛ ضعیف است (نسائی، ۱۳۹۶: ۱۷)؛ کذاب و دروغگو است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۱/۲۲۳).

عمر بن حفص بن یزید القرظی: پس از جست‌وجو، جرح و تعدیلی برای راوی مذکور یافت نشد و لذا او مجهول است.

عمر بن شمر: ضعیف است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۶/۲۳۹؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۲/۱۶۵)؛ متروک است (نسائی، ۱۳۹۶: ۸۰)؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۶/۲۳۹؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۲/۱۶۵؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۳۰۳).

۳ - ۳. روایت لا یبغض العرب إلا منافق

۱ - ۳ - ۳. روایت به نقل از حضرت علی (ع)

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ أَبُو مَعْمَرٍ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبَّاسٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ جَبْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُثَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ... (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۵۱/۲).

اسماعیل بن عیاش: ضعیف است (نسائی، ۱۳۹۶: ۱۶)؛ روایات او غیر از اهل شام، ضعیف است (ابن مدینی، ۱۴۰۴: ۱۶۱)؛ روایات او غیر از اهل شام، مضطرب است (عقیلی، ۱۴۰۴: ۸۸/۱)؛ روایات او غیر از اهل شام، خطا دارد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۱۰۹)؛ روایات او از اهل حجاز، مضطرب است (ذهبی، بی‌تا: ۸۵/۱)؛ بنابراین او در این روایت، ضعیف و مضطرب

است؛ زیرا از زید بن جبیره از اهل مدینه روایت کرده است (ذهبی، بی تا: ۲۴۵/۱).
 زید بن جبیره: ضعیف و متروک است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۵۵۹/۳؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۵۳/۲)؛ متروک است (ذهبی، بی تا: ۲۴۵/۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۲۲۲)؛ منکر است (بخاری، ۱۴۲۶: ۶۴؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ۷۱/۲).
 داود بن الحصین: قوی نیست (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۴۰۹/۳).

۴. نقد و بررسی روایات دوستی و دشمنی با قریش

۱ - ۴. روایت حُبِّ قُرَیْشِ إِيْمَانُ

۱ - ۴. روایت به نقل از انس بن مالک

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ يَحْيَى ثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ جَمَّازٍ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ
 عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: ... (بزار، ۱۹۸۸: ۳۵۷/۱۳).

هیثم بن جماز: ضعیف است (ابن مدینی، ۱۴۰۴: ۱۵۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۸۱/۹؛ ابن شاهین، ۱۴۰۴: ۱۹۱؛ نسائی، ۱۳۹۶: ۱۰۴)؛ علاوه بر ضعف ابن جماز، با بررسی استاد و شاگردان روات به دست می آمد که سند نیز متصل نیست.

۲ - ۴. روایت بُغْضُ قُرَیْشِ نِفَاقُ

۱ - ۲ - ۴. روایت به نقل از طلحة بن مصرف

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو حَمِيدٍ قُتْنَا مُعَاوِيَةَ يُعْنِي: ابْنُ حَفْصٍ قَالَ: نَا عَبَّادُ يُعْنِي:
 ابْنُ الْعَوَّامِ عَنِ الْحَجَّاجِ عَنْ طَلْحَةَ الْيَاسَمِيِّ قَالَ: كَانَ يُقَالُ: (ابن حنبل، ۱۴۰۳: ۲۹۴/۱)

حجاج: با بررسی اساتید عباد بن العوام و شاگردان طلحه یامی (طلحة بن مصرف) به دست آمد که منظور از حجاج، همان حجاج بن اراطاه است که در روایت دوم عنوان اول، به نقل از ابونعیم اصفهانی تضعیف شد.

طلحه یامی (طلحة بن مصرف): این حدیث او بنابر نظر عامه مرسل است؛ زیرا راوی بعد از او تا پیامبر اکرم ﷺ ذکر نشده است و بزرگان عامه چنین حدیثی را ضعیف می دانند (سیوطی، بی تا: ۲۲۲/۱).

۵. نتیجه گیری

تلاش برای تعمیم حدیث شریف «لَا يَحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يَبْغُضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ» به افراد دیگر، به عنوان حرکتی هدفمند در جهت تضعیف جایگاه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است و روایت اصلی، تنها در مورد آن حضرت نقل شده است. نقد و بررسی اسناد و جرح و تعدیل های موجود در منابع حدیثی عامه نشان می دهد که بسیاری از روایات مرتبط با دوستی و دشمنی با ابوبکر، عمر، انصار، عرب و قریش از لحاظ سندی، ضعیف و دارای مشکلات جدی هستند و در برخی از موارد، راویان به دلیل اشتباهات علمی یا وابستگی های فکری و سیاسی نتوانسته اند به درستی حدیث را نقل کنند. به همین دلیل باید با دقت بیشتری به این روایات نگریست و از آنها در اخذ اعتقادات و بحث های علمی به عنوان منبع قطعی استفاده نکرد.

کتاب نامه

۱. ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ اول.
۲. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، (۱۲۷۱ق)، الجرح و التعديل، هند و بيروت: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية و دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى.
۳. ابن ابی شيبه، عبد الله بن محمد، (۱۴۳۶ق)، المصنف، تحقيق: سعد بن ناصر أبو حبيب الشثري، رياض: دار كنوز إشبيليا للنشر و التوزيع، الطبعة الأولى.
۴. ابن ابی عاصم، أبو بكر بن أبي عاصم و هو احمد بن عمرو، (۱۴۱۱ق)، السنة، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، بيروت: المكتب الإسلامي، الطبعة الأولى.
۵. ابن ابی يعلى، أحمد بن علي، (۱۴۰۴ق)، مسند أبي يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، الطبعة الأولى.
۶. ابن تيمية حزانى، أحمد بن عبد الحليم، (۱۴۰۶ق)، منهاج السنة النبوية، تحقيق: محمد رشاد سالم، بی جا: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة الأولى.
۷. _____، (۱۴۲۵ق)، مجموع الفتاوى، بی جا: بی نا.
۸. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علي، (۱۴۰۶ق)، الضعفاء و المتروكون، تحقيق: عبد الله القاضي، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

٩. ابن حبان بستى، محمد بن حبان، (١٣٩٣ق)، الثقات، هند: دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدكن، الطبعة الأولى.
١٠. —، (١٤٢٠ق)، المجروحين من المحدثين، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، رياض: دار الصميعي للنشر و التوزيع، الطبعة الأولى.
١١. ابن حجر عسقلاني، احمد بن على، (١٣٢٦ق)، تهذيب التهذيب، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، الطبعة الأولى.
١٢. —، (١٤٠٦ق)، تقريب التهذيب، تحقيق: محمد عوامة، سورية: دار الرشيد، الطبعة الأولى.
١٣. ابن حنبل، احمد بن محمد، (١٤٠٣ق)، فضائل الصحابة، تحقيق: وصي الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى.
١٤. —، (١٤٢١ق)، مسند احمد، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد، بى جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى.
١٥. ابن خلال، أحمد بن محمد، (١٤١٠ق)، السنة، تحقيق: عطية الزهراني، رياض: دار الراية، الطبعة الأولى.
١٦. ابن سعد، محمد بن سعد، (١٤٢١ق)، الطبقات الكبير، تحقيق: علي محمد عمر، قاهره: مكتبة الخانجي، الطبعة الأولى.
١٧. ابن شاهين، عمر بن أحمد، (١٤٠٤ق)، تاريخ أسماء الثقات، تحقيق: صبحي السامرائي، كويت: الدار السلفية، الطبعة الأولى.
١٨. —، (١٤١٥ق)، شرح مذاهب أهل السنة و معرفة شرائع الدين و التمسك بالسنن، تحقيق: عادل بن محمد، بى جا: مؤسسة قرطبة للنشر و التوزيع، الطبعة الأولى.
١٩. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن، (١٤٠٦ق)، معرفة أنواع علوم الحديث، تحقيق: نور الدين عتر، سورية و بيروت: دار الفكر و دار الفكر.
٢٠. ابن عدى، عبد الله بن عدي، (١٤١٨ق)، الكامل في ضعفاء الرجال، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت: الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

٢١. ابن عساكر، على بن الحسن، (١٤٢١ق)، معجم، تحقيق: وفاء تقى الدين، دمشق: دار البشائر، الطبعة الأولى.
٢٢. ابن قتيبة، عبد الله بن مسلم، (١٤١٩ق)، تأويل مختلف الحديث، بی جا: المكتب الاسلامي ومؤسسة الإشراف، الطبعة الثانية.
٢٣. ابن قليج، علاء الدين مغلطي بن قليج، (٢٠١١م)، إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال، تحقيق: محمد عثمان، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.
٢٤. ابن مديني، علي بن عبد الله، (١٤٠٤ق)، سؤالات محمد بن عثمان بن أبي شيبة لعلي بن المديني، تحقيق: موفق عبد الله عبد القادر، رياض: مكتبة المعارف، الطبعة الأولى.
٢٥. ابن معين، يحيى بن معين، (١٣٩٩ق)، التاريخ عن أبي زكريا يحيى بن معين، تحقيق: أحمد محمد نور سيف، مكة: مركز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي، الطبعة الأولى.
٢٦. أبو داود سجستاني، سليمان بن الأشعث، (١٤٠٣ق)، سؤالات أبي عبيد الآجري أبا داود السجستاني في الجرح والتعديل، تحقيق: محمد علي قاسم العمري، مدينه: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، الطبعة الأولى.
٢٧. أبو داود طيالسي، سليمان بن داود، (١٤١٩ق)، مسند أبي داود الطيالسي، تحقيق: محمد بن عبد المحسن التركي، مصر: دار هجر، الطبعة الأولى.
٢٨. أبو نعيم اصفهاني، أحمد بن عبد الله، (١٤١٠ق)، تاريخ اصبهان، تحقيق: سيد حسن كسروي، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.
٢٩. ———، (١٤٢٢ق)، صفة النفاق و نعت المنافقين، تحقيق: عامر حسن صبري، بيروت: البشائر الإسلامية، الطبعة الأولى.
٣٠. استر آبادي، عبد الجبار بن احمد، (بی تا)، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، بی جا: بی نا.
٣١. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا)، التاريخ الكبير، دکن: دائرة المعارف العثمانية.
٣٢. ———، (١٣١١ق)، صحيح البخاري، مصر: بالمطبعة الكبرى الأميرية.
٣٣. ———، (١٤٢٦ق)، كتاب الضعفاء، تحقيق: أبو عبد الله أحمد بن إبراهيم، بی جا: مكتبة ابن عباس، الطبعة الأولى.

٣٤. بزار، أحمد بن عمرو، (١٩٨٨ق)، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله و عادل بن سعد، مدينه: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الأولى.
٣٥. بغوى، الحسين بن مسعود، (١٤٠٣ق)، شرح السنة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و محمد زهير الشاويش، دمشق و بيروت: المكتب الإسلامي، الطبعة الثانية.
٣٦. بلاذري، احمد بن يحيى، (١٤١٧ق)، جمل من انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض الزركلي، بيروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.
٣٧. بيهقي، احمد بن الحسين، (١٤٢١ق)، شعب الإيمان، تحقيق: أبو هاجر محمد السعيد بن بسيوني، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.
٣٨. ترمذی، محمد بن عيسى، (١٣٩٥ق)، سنن الترمذی، تحقيق: أحمد محمد شاكر و محمد فؤاد عبد الباقي و إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، الطبعة الثانية.
٣٩. حاكم نيسابوري، محمد بن عبد الله، (١٣٩٧ق)، معرفة علوم الحديث، تحقيق: السيد معظم حسين، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.
٤٠. ———، (١٤١١ق)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.
٤١. حميدى، عبد الله بن الزبير، (١٩٩٦م)، مسند الحميدي، سوريه: دارالسقا، الطبعة الأولى.
٤٢. خطيب بغدادى، أحمد بن علي، (١٤٢٢ق)، تاريخ بغداد، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامي، الطبعة الأولى.
٤٣. ———، (١٩٨٥م)، تلخيص المتشابه في الرسم، تحقيق: سكينه الشهابي، دمشق: طلاس للدراسات و الترجمة والنشر، الطبعة الأولى.
٤٤. دارقطنى، علي بن عمر، (١٤٠٣ق)، الضعفاء الضعفاء و المتروكون، تحقيق: عبد الرحيم محمد القشقرى، مدينه: مجلة الجامعة الإسلامية.
٤٥. ———، (١٤١٩ق)، فضائل الصحابة و مناقبهم و قول بعضهم في بعض، سعوديه، مكتبة الغرباء، الطبعة الأولى.

۴۶. ذهبی، محمد بن احمد، (بی تا)، المغني في الضعفاء، تحقيق: نور الدين عتر، بی جا: بی نا.
۴۷. ———، (۱۳۸۲ق)، میزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، الطبعة الأولى.
۴۸. ———، (۱۳۸۷ق)، ديوان الضعفاء و المتروكين و خلق من المجتهولين و ثقات فيهم لين، تحقيق: حماد بن محمد الأنصاري، مکه: مكتبة النهضة الحديثة، الطبعة الثانية.
۴۹. ———، (۱۴۰۵ق)، سير أعلام النبلاء، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، بی جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة.
۵۰. ———، (۱۴۱۳ق)، تاريخ الإسلام وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق: عمر عبد السلام التدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، الطبعة الثانية.
۵۱. ———، (۱۴۱۳ق)، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، تحقيق: محمد عوامة أحمد محمد نمر الخطيب، جده: دار القبلة للثقافة الإسلامية و مؤسسة علوم القرآن، الطبعة الأولى.
۵۲. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، (بی تا)، تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، تحقيق: أبو قتيبة نظر محمد الفارياي، بی جا: دار طيبة.
۵۳. ———، (۱۴۲۶ق)، جمع الجوامع المعروف، تحقيق: مختار إبراهيم الهائج و عبد الحميد محمد ندا و حسن عيسى عبد الظاهر، قاهره: الأزهر الشريف، الطبعة الثانية.
۵۴. شوکانی، محمد بن علي، (۱۴۱۳ق)، نيل الأوطار، تحقيق: عصام الدين الصبابي، مصر: دار الحديث، الطبعة الأولى.
۵۵. صهيب عبد الجبار، (۲۰۱۳م)، المسند الموضوعي الجامع للكتب العشرة، بی جا: بی نا.
۵۶. طبرانی، ابوالقاسم سليمان بن احمد، (۱۴۱۵ق)، معجم الكبير، تحقيق: حمدی بن عبدالمجيد السلفی، قاهره: مكتبة ابن تيميه، الطبعة الثانية.
۵۷. طبری، محمد بن جرير الطبري، (۱۳۸۷ق)، تاريخ الطبری، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دار المعارف بمصر، الطبعة الثانية.
۵۸. عجلی، أحمد بن عبد الله، (۱۴۰۵ق)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم و الحديث و من الضعفاء و ذكر مذاهبهم و أخبارهم، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، مدینه: مكتبة

الدار، الطبعة الأولى.

٥٩. عقيلى، محمد بن عمرو، (١٤٠٤ق)، الضعفاء الكبير، تحقيق: عبد المعطى أمين قلعجى، بيروت: دار المكتبة العلمية، الطبعة الأولى.

٦٠. مزى، يوسف بن عبد الرحمن، (١٤٠٣ق)، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، تحقيق: عبد الصمد شرف الدين، بی جا: المكتب الإسلامى، الطبعة الثانية.

٦١. مسلم نيسابورى، مسلم بن الحجاج، (١٣٧٤ق)، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، قاهره: مطبعة عيسى البابي الحلبي و شركاه.

٦٢. مقدسى، أبو محمد عبد الغنى بن عبد الواحد، (١٤٣٧ق)، الكمال في أسماء الرجال، تحقيق: شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، كويت: الهيئة العامة للعناية بطباعة و نشر القرآن الكريم و السنة النبوية و علومها، الطبعة الأولى.

٦٣. نسائى، أحمد بن شعيب، (١٣٩٦ق)، الضعفاء و المتروكون، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، حلب: دار الوعي، الطبعة الأولى.

والله اعلم

نقد و بررسی معارضات حدیث (یا علی لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق در منابع عامه)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی